

پنجشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۶۶۷۴

صفحه آخر

۴



میلاد جلیل زاده

«تف به من! تف به تو، تف به شما، شما آدم نیستید. من کاری با شرف و اپنا ندارم. شرف به چیز نسبیه هر چیز بازرشی که داشتم رو تبدیل به پول کردم و هنوز هیچی به‌هیچی کمک کنید. من ۴ ساله که دارم عملاً مثل یک آدم مستمند زندگی می‌کنم. گدایی؟ من رو از چی می‌تسونید؟ آخه سازمان‌هایی که در طول ۴۷ سال خودشون رو گنده کردن، پرور شدن و به اسم کمک به ایران، با اسم اینترنت برای ایران، با اسم هر چی... کجایی؟ من کاری باهاتون ندارم. من نیومدم اینجا گذشته شماها رو شخم بزنم، من کاری با حساب‌و‌کتاب شما ندارم، کاری ندارم با کجا بستید. اگر آدمیده دست منو بگیرید. خیر سرتون شما کارتون اینه، کارم این نبوده، کارم این نیست. خیر سرتون شماها ۵۰ ساله دارید به این اسم خودتونو بزرگ می‌کنید. در هر شبکه‌ای، در هر فضای مجازی، در هر اسپییسی، در هر کلاب‌هاوسی می‌ریم، شماید فقط.

کدوم گوری هستید؟ چه غلطی دارید می‌کنید؟ من نیومدم پته شماها رو بریزم روی آب، کاری هم باهاتون ندارم. خوردید، بردید، نوش جون‌تون! تونستید زرتگ بودید، الان بیایید کمک کنید، آدم باشید. من دیگه ساعت هم برام نمونده که بفروشم.

چیزی دارید، بیارید، بدید.

این متن ویدئویی از اشکان خطیبی است که در یک تک‌گویی مقابل دوربین، خطاب به نهادهای سیاسی و فرهنگی ضد جمهوری اسلامی بیان می‌کند. او دارد عملاً گدایی می‌کند و ابایی از این ندارد که تصویر رویایی مهاجرت به خارج از کشور و دور شدن از دایره فعالیت در نظام جمهوری اسلامی برای مخاطبانش ویران شود. خطیبی ویدئو را با روشن کردن سیگارش تمام می‌کند و فندکش را مقابل دوربین می‌گیرد که روی آن علامت شیر و خورشید حک شده است.

انگار این یک چرخه تکرار‌شونده است که در آن خطیبی هر از چند گاهی در میان همه‌های حیرت‌انگیزش به مردم ایران، بیاید و جوری از اوضاع به هم ریخته و نابسامانش جلوی دوربین حرف بزند که همه را شوکه کند. او به نمادی از هم‌زمانی گناه و جزا تبدیل شده است و سرنوشتش را می‌توان الگویی دانست از سرنوشت تمام کسانی که تیری به سمت این کشور و نظام پر تاپ کردند.

بیاید نگاهی داشته باشیم به اینکه خطیبی و چهره‌های دیگر مثل او چطور کارشان به اینجا کشید و چرا از وضعیتی که بر سرشان می‌آید عبرت نمی‌گیرند و لاقال در مواضشان گردشی را نشان نمی‌دهند. شاید بسیاری از آنها پیش از این هم کاملاً انطور که نشان می‌دادند فکر نمی‌کردند اما از وقتی حمله‌های فرهنگی و اجتماعی در سال‌های اخیر به جمهوری اسلامی شدت بیشتری گرفت و توهم اینکه قرار است چیزی تغییر کنند در ذهن تعدادی از این چهره‌ها بالا گرفت، آنها از مسیری غیرقابل بازگشت گذشتند؛ چیزی که اگر چه به زبان آنها بود اما می‌تواند به سوس عبرت‌آموزان باشد.

در ادامه مروری داشته‌ایم به مواضع و رفتارهای اشکان خطیبی از ایام جنگ ۱۲ روزه تا حالا؛ تا برسیم به لحظه‌ای که او مقابل دوربین می‌نشیند و علناً گدایی می‌کند؛ صحنه‌ای که این هنرپیشه سابق در آن به نهادهای ضد جمهوری اسلامی می‌گوید با فساد آنها مشکلی ندارد اما کاش لاقال تکه استخوانی هم جلوی او به عنوان سه‌سهم می‌انداختند.

■ **تله شهرت و سقوط و چاه رسوایی**

شخصیتی داریم که در زندگی اشتباهات زیادی کرده است. هنرپیشه‌ای مشهور در ایران بوده ولی عاشق زندگی در غرب، او به خارج از کشور رفته و پس از در گرفتن یکسری اعتراضات اجتماعی در ایران، دچار توهم شده که نظام سیاسی در حال سقوط است. از همین رو مواضع تند سیاسی گرفت اما این نظام سقوط نکرد و همین هم باعث تغییر رویکردش نشد. این شخصیت بعدها وقتی به ایران حمله نظامی شد، از شدت لجبازی به مردم کشورش توهین کرد یا حتی خواستار مرگ آنان شد. جالب و البته دردناک اینجاست که او همه این ناهنجاری‌های روانی‌اش در قالب مبارزه سیاسی عنوان‌بندی می‌کند. وضع مالی‌اش در غرب بسیار بد است و خودش تنهاست و ایده سیاسی‌اش شکست خورده اما لوجوانه، مرتب رفتارهای بدتری می‌کند و همین رفتارها زمینه‌ساز شرایطی می‌شود که وضع روحی و موقعیت اجتماعی او را باز هم بدتر می‌کند.

این توصیف، چارچوب یک شخصیت بسیار پیچیده، تراژیک و در عین حال آسیب‌دیده را برای یک داستان، فیلم‌نامه یا تحلیل اجتماعی ارائه می‌دهد. چنین کاراکتری را می‌توان از ابعاد مختلف روان‌شناختی و درمان‌تیک بررسی کرد. مکانیزم‌های دفاع روانی او خودفریبی است و دچار توجیه‌گری افراطی (Rationalization) شده؛ این‌ش شخصیت برای قرار از پذیرش شکست‌های فردی، موقعیت مالی و حیم و اشتباهات محاسباتی‌اش، به توجیه رفتارهای مخرب خود در قالب «مبارزه سیاسی» پناه می‌برد. این یک مکانیزم دفاعی برای محافظت از منیت خردش‌دش در برابر واقعیت تلخ است.

او دچار خطاهای شناختی بوده. گرایش به سوگیری تأیید‌گرایی باعث شده در زمان اعتراضات، تنها اخباری را «بپذیرد» که با توهمات ذهنی‌اش همخوانی دارد و از پذیرش واقعیت‌های ملموس جامعه سر باز زند.

غرور کاذب و لجاجت ویرانگر باعث شده واکنش به شکست در او نه سازنده، بلکه ویرانگر تر باشد. وقتی فرضیه‌های سیاسی

امام صادقی(ع)؛ نماز شب، انسان را خوش‌بینما، خوش‌اخلاق و خوشبو می‌کند، روزی را زیاد و بدی‌ها را پرداخت می‌نماید، غم و اندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: زها شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۴
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۴
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: vatanemrooz@
چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش «وطن امروز» از سراب براندازی و پیامدهای آن برای چهره‌های مشهور مهاجر

اشک‌های اشکان



اشتباه بوده، پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمده و وضعیت زندگی فرد به بیراهه رفته، نیازمند شجاعت است. بسیاری از افراد به جای پذیرش حقیقت، سیر دفاعی «لجاجت» را بالا می‌برند و با تشدید رفتارهای ناهنجار، سعی می‌کنند روی اشتباهات قبلی سرپوش بگذارند.

این فرآیند، نمونه‌ای بارز از تراژدی خودخواسته‌ای است که

در آن، یک هنرمند با دست خود پل‌های پشت سرش را خراب می‌کند و در نهایت در میان تناقضات درونی، تنهایی و انزوی مطلق، به مهرای سوخته در بازی‌های سیاسی تبدیل می‌شود.

اگر بپرسیم چرا چنین می‌شود و هیچ چیز مانع این سقوط

نشده است، باید به فاصله عمیق میان زیست افراد مشهور

(سلبریتی‌ها) و زندگی روزمره مردم عادی اشاره کرد که پدیده‌ای شناخته‌شده در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. این شکاف عمیق، ترکیبی از عوامل ساختاری، روانی و محیطی است که به مرور زمان ساختار شناختی فرد را دگرگون می‌کند.

دلایل اصلی این تله‌های روانی و جدایی از واقعیت عبارت‌ند از:

۱- پدیده «حباب توجه» و قطع ارتباط با بازخوردهای واقعی زندگی در محیط‌های گلخانه‌ای: افراد مشهور معمولاً توسط تیمی از مدیران برنامه‌ها، طرفداران سینه‌چاک و افرادی احاطه می‌شوند که مدام آنها را تأیید می‌کنند. در این محیط، صدای انتقاد سازنده یا مخالفت واقعی شنیده نمی‌شود.

نبود چالش‌های روزمره: دغدغه‌هایی مانند صف نان، تورم

نسکین، اجاره‌خانه و مشکلات ملموس طبقه متوسط و پایین

جامعه، هیچ‌گاه به شکل واقعی توسط آنها تجربه نمی‌شود. وقتی

رنج‌های مردم به یک «سوزه انتزاعی» تبدیل شود، همدلی به

روان‌رنگ می‌یازد.

۲- خطای شناختی «توهم تخصص و همه‌دانسی» (Omniscience Illusion)

تعمیم مهارت: موفقیت در یک حوزه خاص (مثل بازیگری، خوانندگی یا ورزش) باعث می‌شود فرد تصور کند در حوزه‌های پیچیده دیگر مانند سیاست، اقتصاد، تاریخ یا جامعه‌شناسی نیز صاحب‌نظر است.

تأیید افراطی: وقتی هزاران نفر برای هر کلام یک هنرمند دست می‌زنند، مغز انسان دچار این خطای شناختی می‌شود که نظرات او درباره مسائل کلان اجتماعی حتماً مطلقاً درست و وحی مُنزل است.

۳- اتاق پژواک (Echo Chamber) و ترورِسم فکری در محافل خاص

بویژه در دوران مهاجرت یا قرار گرفتن در گروه‌های خاص سیاسی، این افراد وارد حلقه‌های بسته‌ای می‌شوند که در آن فقط یک روایت خاص از واقعیت تکرار می‌شود. در این اتاقک‌های پژواک، هر گونه تردید یا صدای مخالف، «خیانت» تلقی می‌شود و فرد برای همرنگی با جماعت، روزبه‌روز مواضع رادیکال‌تر و دورتری از واقعیت اتخاذ می‌کند.

۴- شکندگی شدید «هنیت» (Ego) و ترس از اعتراف به اشتباه

جایگاه اجتماعی یک سلبریتی به‌شدت به تصویر عمومی او گره خورده است. وقتی شرایط تغییر می‌کند (مثلاً مهاجرت) یا شکست مواجه می‌شود یا پیش‌بینی‌های سیاسی‌اش غلط از آب درمی‌آید، پذیرش این حقیقت که «من اشتباه کرده‌ام» به معنای فروپاشی کامل هویت او است.

مغز برای دفاع از این منیت شکندنه، به جای پذیرش واقعیت، به لجاجت، توجیه‌گری افراطی و پرخاشگری روی می‌آورد تا از فروپاشی روانی جلوگیری کند.

به طور کل، شهرت مانند یک لنز بزرگ‌نمایی است که هم‌زمان می‌تواند غرور کاذب را تقویت و ارتساط فرد را با ریشه‌های زمینی و انسانی‌اش قطع کند. وقتی فردی از پایگاه مردمی خود جدا می‌شود، ناچار است برای بقای روانی‌اش به توهمات پناه ببرد. در ادامه می‌توان به مورد خاصی مثل اشکان خطیبی و رفتارهایش در چند سال اخیر مروری داشت تا این موارد بهتر روشن شود.

■ **گذشتن از پل توهم**

تعدادی از هنرپیشه‌های سینما و تلویزیون ایران، پیرو اتفاقات

سال ۱۴۰۱ از کشور خارج شدند یا اگر از قبل در آنجا حضور

داشتند به کمپین‌های رسانه‌ای براندازان پیوستند که در میان

آنها مهرم‌هایی مثل حمید فرخ‌نژاد، مهناز افشار، احسان کرمی،

برزو ارجمند و اشکان خطیبی نیز به چشم می‌خورند. چنانکه

پیداست، آنها باورشان شده بود که جمهوری اسلامی باقی

نخواهد ماند و روی موج بعدی قدرت سرمایه‌گذاری کرده‌اند اما

پس از اینکه معلوم شد چنین نیست، از یک سو پل‌های پشت

سر خود را ویران شده می‌دیدند و از سوی دیگر، کسانی که به

آنها در باغ سبز نشان داده بودند یا وعده‌های‌شان باعث شدند

با در این راه بگذرانند، از جایی بعدد تا حدودی آنها را رها کردند.

نهایت فعالیت رسانه‌ای و فرهنگی این‌س افراد در خارج از

کشور غیر از حضور گاه و بیهام در رسانه‌ها به عنوان مجری یا

مصاحبه‌شونده، تاثیری بود که باور هم جمع کردن همگی‌شان

و اتخاذ یک موضع سف و سخت سیاسی، تلاشی می‌کرد راه

را به مرور برای راه‌اندازی چیزی که خودشان سینمای دور از

خانه یا سینمای در تبعید می‌نامیدند باز کند اما در نهایت ۵

آبان‌ماه ۱۴۰۲ اعلام شد اجرای نمایش «خانه‌امن» به کارگردانی

حمید فرخ‌نژاد و تهیه‌کنندگی علیرضا میرقاسمی که قرار بود

۲۱ شهریور سالن «تیلز سنتر» نیویورک روی صحنه برود،

به دلیل فروش نرفتن بلیت‌ها لغو شد! گفته می‌شود بلیت‌های

فروش‌رفته، به میزان حدوداً ۱۵ درصد از ظرفیت سالن بود و

همین باعث شد از روی صحنه رفتن بازیگران آن جلوگیری

شود. پس از آن نیز سایت «کنیت‌مستر» که بلیت‌فروشی این

نمایش را بر عهده داشت، اعلام کرد مبلغ پرداخت‌شده توسط

آن تعداد از تماشاگرانی که بلیت را خریدانه بازمی‌گرداند غیر

از حمید فرخ‌نژاد، افراد دیگری مثل مهناز افشار، برزو ارجمند،

احسان کرمی و فرزین صابونی هم از جمله بازیگران این نمایش

بودند.

این شکست واضح البته به جای عبرت گرفتن کسانی که در

این پروژه شرکت داشتند، به لجبازی بیشتر آنها و اصرار بر اینکه

شکست نخورده‌اند انجامید و کار را به مواضع حیرت‌انگیز این

افراد باز روانی زشت، تصویر مردمی که زیر بمب در راهپیمایی

روز قدس شرکت کرده بودند را در فضای مجازی قرار داد و

نوشت: باید همه آنها را کشت. چنین رفتارهایی از او پس از آن

هم بارها سر زد تا جایی که دختر یکی از شهدا به او در یکی از

برنامه‌های تلویزیونی واکنش نشان داد و گفت خطیبی روشش

را به شیطان فروخته‌ای! او را باید در کنار هنرپیشه‌های فراری

حالا می‌بینیم که اشکان خطیبی به چه وزی افتاده است. این

همه جوش و جلا زدن و یافشاری لوجوانه بر مواضع گذشته،

همگی باعث می‌شوند عذاب او بیشتر هم بشود. او حالا جلوی

دوربین نشسته و رسماً گدایی می‌کند؛ در حالی که اگر در ایران

می‌ماند، بهترین زندگی را داشت. در شرایطی که کشور ما هر

روز در حال رونمایی از الگوهای بی‌بدیلی از شرافت و شجاعت

و مردانگی است، کسی که روزگاری در کشور خودش مشهور و

محبوب بود، حالا به نماد عبرت تبدیل می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: زها شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۴
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۴
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: vatanemrooz@
چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مواضع گذشته‌شان می‌شد، لجاجت‌های بی‌پایان و رفتارهای کنترل‌نشده عصبی بوده رفتارهایی که تا حدودی علامت‌هایی از مشکلات حاد روحی و روانی را نشان می‌داد.

■ **یاور خدا و حامی شیطان**

وقتی در سحرگاه ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴، ارتش رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرد و در همان ساعات اول بسیاری از فرماندهان نظامی و مردم عادی را به شهادت رساند، جو جدیدی در جامعه ایران ایجاد شد؛ جوی که باعث شد بعضی تعارفات از یک سو و تردیدها از سوی دیگر کنار برود و مواضع گیری‌های صریحی در دفاع از وطن و استقلال و شرف آن در فضای عمومی زبائگرد افراد معمولی یا مشهور شود.

شکستن این جو و برگشتن به وضع براندازانه در این فضا بسیار مشکل بود، چراکه اجماع گسترده‌ای حول مفاهیم میهنی و غیرتمندانه شکل گرفته بود. در همان ایام محسن چاوشی ترانه‌ای خواند به نام «علاج» که نه‌تنها مفهوم آن قوت قلبی به مردم ایران می‌داد، بلکه در شکستن ماریج سکوت و بیان علنی علایق میهنی و مذهبی بسیار موثر بود. ترانه چاوشی به طور خاص در وضعیت چهره‌های مشهور هم تأثیرگذار بود و تنها راهی که برای مقابله با آن می‌شد در نظر گرفت، زمزمه‌ای بود که خنسان به راه انداختند تا عمل شجاعانه چاوشی را مخدوش کنند در همین راستا عده‌ای از رسانه‌ای‌های داخل زمزمه‌ای در فضای مجازی به راه انداختند درباره مبلغ پولی که چاوشی برای تولید این اثر گرفته است؛ مبلغی که نه‌تنها وجود خارجی نداشت و دروغ بود، بلکه رقم بالایی هم به حساب نمی‌آمد. این شایعه فتنه‌ساز از آن جهت مطرح شد که افرادی مثل اشکان خطیبی در آن سوی آب بتوانند سوءاستفاده لازم را بکنند. کافی بود این شایعه مطرح شود و کسانی مثل اشکان خطیبی که خارج از کشور هستند و دستگاه قضایی ایران بابت دروغ‌پرانی نمی‌تواند مواخذشان کند، بر همین اساس فضاسازی رسانه‌ای انجام دهند و در کل زیبایی آن عمل شجاعانه مخدوش شود.

اشکان خطیبی بلافاصله به این خبر جعلی واکنش نشان داد

و در توئیتر نوشت: «۳۵ میلیارد توهم؟! ازرون حساب کردن».

محسن چاوشی هم در یک استوری اینستاگرام، با انتشار بخشی

از آیه ۶۷ سوره مائده، واکنشی تلویحی به خطیبی نشان داد

و نوشت: «والله یُصمِّکُ مِنَ النَّاسِ» یعنی خداوند تو را از شر

مردم حفظ می‌کند. این عبارت قرآنی به طور کامل چنین‌است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا لِلْبَاطِلِ مُعْتَفَافًا وَلَا لِمَنْ يُؤْتِيهِمُ الْبَعْثَ فَمَا بَلَغَتْ

رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» یعنی «ای پیامبر! آنچه را از

جنب خدای تو بر تو نازل شده ابلاغ کن که اگر چنین نکنی

رسالت خود را انجام ندادای و خداست که تو را در برابر مردم

حفظ می‌کند» البته اشکان خطیبی یک ساعت بعد از این توثیت

خودش را حذف کرد، چراکه هیچ سندی برای آن وجود نداشت

و برعکس به راحتی می‌شد، دروغ بودن چنین ادعایی را ثابت

کرد. محسن چاوشی به قلری محبوب است و رفتارهای آسانی

و اجتماعی‌اش طی این سال‌ها تا حدی در ذهن و قلب مردم

تأثیرگذار بوده که این شایعات نتوانست راهی در افکار عمومی

باز کند. به فاصله یک روز، کاظم بهمنی، شاعر قطعه «علاج»،

داستان تولد و انتشار این اثر را در فضای مجازی منتشر کرد

که برگ دیگری به افتخارات چاوشی اضافه کرد.

■ **از محبوبیت تا تبدیل شدن به عبرت همگان**

جنگ رمضان در ۹ اسفند ۱۴۰۴ در شرایطی رقم خورد

که پیش از آن کودتای دی‌ماه رخ داده بود و ادراک عمومی از

وضعیت جامعه اندکی فرق می‌کرد. به عبارتی، اگر پس از جنگ

۱۲ روزه همه فهمیدیم که براندازی جریانی جدی نیست و اجماع

مردم ایران حول پرچم جمهوری اسلامی قدرتمند است، کودتای

دی‌ماه سعی می‌کرد تصویر ما از خودمان را مخدوش کند. این بار

هم اما اتفاقاتی رخ داد که حتی قوی‌تر از بار قبل مردم در میدان

حضور پیدا کردند و به حمایت از میهن و دین‌شان پرداختند.

یکی از نموده‌ای عینی و عملی این اتفاق، حضور مردم در

اتفاق صحنه‌ای بی‌بدیل رقم زد؛ مردمی که انفجار را می‌دیدند

و با خروشی بیشتر فریاد الله اکبر سر می‌دادند.

چندین روز از جنگ گذشته بود و رهبر انقلاب و بسیاری از

فرماندهان شهید شده بودند اما اینها باعث نشد که نظام جمهوری

اسلامی سقوط کند و حالا این نظام، صفی از هواداران جان بر

کفش را از میان مردمان عادی جامعه در راهپیمایی روز قدس

نشان می‌داد که حتی زیر بارش بمب و موشک فریادشان بر فراز

بود. این یک شکست‌نمادین برای کسانی مثل اشکان خطیبی به

حساب می‌آمد که در توهمات خودشان همه پل‌های پشت سر

را خراب کردند و به آن سوی آب رفتند. خطیبی اینجا در یک

برون‌داد روانی زشت، تصویر مردمی که زیر بمب در راهپیمایی

روز قدس شرکت کرده بودند را در فضای مجازی قرار داد و

نوشت: باید همه آنها را کشت. چنین رفتارهایی از او پس از آن

هم بارها سر زد تا جایی که دختر یکی از شهدا به او در یکی از

برنامه‌های تلویزیونی واکنش نشان داد و گفت خطیبی روشش

را به شیطان فروخته‌ای! او را باید در کنار هنرپیشه‌های فراری

حالا می‌بینیم که اشکان خطیبی به چه وزی افتاده است. این

همه جوش و جلا زدن و یافشاری لوجوانه بر مواضع گذشته،

همگی باعث می‌شوند عذاب او بیشتر هم بشود. او حالا جلوی

دوربین نشسته و رسماً گدایی می‌کند؛ در حالی که اگر در ایران

می‌ماند، بهترین زندگی را داشت. در شرایطی که کشور ما هر

روز در حال رونمایی از الگوهای بی‌بدیلی از شرافت و شجاعت

و مردانگی است، کسی که روزگاری در کشور خودش مشهور و

محبوب بود، حالا به نماد عبرت تبدیل می‌شود.

۴ دریا و یک هدف: رؤیای حذف ایران از معادله انرژی

آنچه در این میان قطعی است، این واقعیت است که ایران برای خنثی‌سازی این طرح، ناچار به اتخاذ راهبرد تهاجمی در عرصه دیپلماسی انرژی و تقویت کردبدره‌های جایگزین خواهد بود تا ثابت کند منطقه بدون ایران، نه ۴ دریا، بلکه دریایی بی‌راه و ناامن خواهد بود. اینجاست که اهمیت راهبردی تأکید و یافشاری حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای و مسؤولان نظام بر ایجاد ترتیبات جدید بر تنگه هرمز و عدم بازگشت آن به وضعیت سابق، بیش از پیش روشن می‌شود و ضرب می‌گیرد. شکست یا موفقیت توطئه ۴ دریا، نه در اتاق‌های فکر واشنگتن، بلکه در میدان عمل و اراده ملت‌های منطقه و مقاومت تعیین خواهد شد.

مستقیم متحدان ایران (چین، روسیه و عراق) و تلاش برای گسستن پیوندهای اقتصادی آنان با تهران، به وضوح قابل مشاهده است.

با این حال، این پروژه در عمل با موانعی ژرف روبه‌رو است؛ از نبود سرمایه‌گذار واقعی گرفته تا توانمندی بالای ایران در ایجاد نامنی در مسیرهای جایگزین و پیشینه پرتوسان همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا هنوز نفهمیده منطقه با خط‌کشی روی کاغذ و عقد قرارداد با شرکت‌های نفتی تغییر نمی‌کند! این منطقه، عرصه مقاومت و واکنش هوشمندانه بازیگرانی نظیر ایران است که هیچ‌گاه اجازه نخواهند داد کریدورهای حیاتی آنان توسط پروژه‌های فرامطافه‌ای مصادره شود.

مستقیم با منافع حیاتی ایران در کنترل آبراهه‌های بین‌المللی است که تهران هرگز در برابر آن ساکت نخواهد نشست. **چالش دوم، تکرار شکست پروژه خاورمیانه بزرگ:** طرح ۴ دریا به پای پروژه شکست‌خورده خاورمیانه بزرگ نمی‌رسد اما از درس‌های آن عبرت نمی‌گیرد. پروژه‌های بزرگ آمریکا در منطقه معمولاً به دلیل بومی نبودن و تحمیل از بیرون و ماهیت استعماری با شکست مواجه می‌شوند. هم‌افزایی میان بازیگرانی چون ترکیه، سوریه و عراق که دارای منافع متضاد (مانند مساله کردها یا منابع آبی) هستند، دشوار است و آمریکا توانایی مدیریت این شکاف‌ها را ندارد.

چالش سوم، نقشه مخالف ترکیه در قفقاز: در حالی که طرح،

ترکیه را به عنوان شریک کلیدی می‌داند اما آنکارا منافع عمیقی در قفقاز و دریای کاسپین دارد که ممکن است با

پروژه‌های آمریکا در رقابت بااشد. ترکیه به دنبال کریدور

مستقل زنگزور است و ممکن است طرح ۴ دریا را تهدیدی

برای هژمونی خود در حوزه دریای سیاه و بالتیک تلقی کند.

■ **جمع‌بندی**